

جهان صنعت

سه شنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۵ | ۲۳ ذی‌الحجه ۱۴۴۷ | ۹ ژوئن ۲۰۲۶

سال بیست و سوم | شماره ۶۰۹۸ | ۸ صفحه | قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

«جهان صنعت» بحران افزایش حقوق اعضای هیات علمی را بررسی کرد

معمای حقوق اساتید دانشگاه



«جهان صنعت» موضع آمریکا در قبال تشدید تنش میان تهران و تل آویو را بررسی می‌کند

شکاف میان متحدان استراتژیک

پاسخ در دناک تهران و عقب‌نشینی تل آویو

رییس‌جمهور از «دیپلماسی» و «دفاع» به‌عنوان «دو بال قدرت ملی» یاد کرد

نه میدان را ترک کرده‌ایم، نه میز مذاکره را

رییس‌جمهور که در واکنش به تحولات ۴۸ تا ۲۴ ساعت گذشته و مشخصاً حملات اسرائیل به منطقه ضاحیه در جنوب لبنان و پاسخ کوبنده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به این اقدام اسرائیلی‌ها که مصداق آشکار نقض آتش‌سپس بود، واکنش نشان می‌داد، در پیامی که از طریق حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر) منتشر کرد، با تأکید بر اینکه «دیپلماسی و دفاع دو بال قدرت ملی هستند»، نوشت: «نه میدان را ترک کرده‌ایم و نه میز مذاکره را.» مسعود پزشکیان در بخش پایانی این پیام توییتری تصریح کرد: «به امید خدا با وحدت و عقابانیت ایران از این آزمون نیز سربلند عبور خواهد کرد.»



تجارت زیر آوار ریال

در اقتصاد ایران گاهی تورم از فروشگاه شروع نشده بلکه از گمرک وارد می‌شود، در کارخانه می‌چرخد، به‌تایبار بنگاه می‌رسد و بعد با تأخیر خود را در قیمت کالاها می‌نمایاند. نهایی نشان می‌دهد، تازه‌ترین داده‌های مرکز آمار از شاخص قیمت کالاها و وارداتی نشان می‌دهد که این مسیر در پاییز ۱۴۰۴ بار دیگر فعال شده؛ مسیری که در ظاهر به‌تجارت خارجی مربوط است ...

فراموش شده‌های پتروشیمی

آسیب‌پذیری زیرساخت‌های انرژی و پتروشیمی در جریان جنگ اخیر تنها به‌توقف یا کاهش تولید چند مجتمع محدود نشد بلکه این اتفاق زنجیره تأمین نهادهای پتروشیمی را تحت تأثیر قرار داد. در شرایطی که دولت از برنامه‌های بازسازی و احیای ظرفیت‌های صنعتی سخن می‌گوید فعالان اقتصادی می‌گویند که بازگشت تولید به‌سطح پیش از جنگ بدون ترمیم حلقه‌های آسیب‌دیده زنجیره پتروشیمی امکان‌پذیر نخواهد بود.

چرخش ناگهانی بورس تهران

بازار سهام که روز یکشنبه در آستانه فتح قله ۴/۵ میلیون‌واحدی قرار گرفته بود روز گذشته تحت‌تأثیر افزایش تنش‌های نظامی میان ایران و رژیم صهیونیستی ریزشی شد و شاهد خروج سنگین پول حقیقی بود. با این حال اما در همین فضای منفی رکورد تاریخی ارزش معاملات خرد شکسته شد. بازار سهام در روز یکشنبه نشانه‌های عبور از رکوردهای تاریخی را بروز داده بود اما روز گذشته با شوک سیاسی تازه‌ای روبه‌رو شد.

چشم‌انداز کم‌فروغ

تجارت جهانی غلات

در حالی شاخص قیمت مواد غذایی فائو در ماه مه ثابت ماند که قیمت جهانی گندم ۲/۴ درصد افزایش یافت و پیش‌بینی می‌شود برداشت و تجارت جهانی غلات در سال پیش‌رو کاهش یابد. معیار سنجش قیمت جهانی کالاهای غذایی در ماه مه به‌طور کلی ثابت ماند زیرا کاهش قیمت روغن نباتی، افزایش قیمت غلات و شکر را جبران کرد.

پیش‌روز

ادامه‌نقدروز

ادامه‌سرمقاله

تغییر خواسته‌ها در مذاکرات

واقعیت این است که این اتفاق بدهنگام می‌تواند شیرازه اقتصاد ایران را بیش از پیش از هم بگسلد و امیدواری بازگشت به شرایط عادی را دور و دورتر کند. در روزهایی سخت که دولت حتی نمی‌تواند منابع مورد نیاز جهت خریداری شده و نیز پرداخت افزایش مستمری بازنشستگان را فراهم کند فرو رفتن در غبار آشوب تازه، وضعیت را در بدترین شرایط قرار می‌دهد. این در حالی است که محاصره دریایی ایران و جلوگیری از صادرات نفت و دیگر کالاها و کاهش قابل‌اعتنای صادرات غیر از نفت نیز مزید بر علت شده و دست دولت را برای تامین مصارف حتی در اندازه بودجه ۱۴۰۵ نیز می‌بندد.

برای اینکه کسب‌وکار مردم در این آشوب تازه به مرز نیستی و نابودی نرسد و امیدهای باقیمانده زایل نشود باید تصمیم‌های تازه در کلان‌ترین سطح گرفت. این تصمیم می‌تواند به‌طور مثال رویکرد به شرق برای کمک مادی و ارزی به جمهوری اسلامی باشد و در این تصمیم باید به چین و روسیه اخطار داد که در صورت کمک نکردن واقعی ریل‌گذاری سیاست خارجی تغییر خواهد کرد. یک تصمیم می‌تواند اعطاف مرحله‌ای و کوتاه‌مدت برای آشنستی با آمریکایی‌ها و گرفتن امتیازهایی در سطوح پایین‌تر

واقعیت این است که این اتفاق بدهنگام می‌تواند شیرازه اقتصاد ایران را بیش از پیش از هم بگسلد و امیدواری بازگشت به شرایط عادی را دور و دورتر کند. در روزهایی سخت که دولت حتی نمی‌تواند منابع مورد نیاز جهت خریداری شده و نیز پرداخت افزایش مستمری بازنشستگان را فراهم کند فرو رفتن در غبار آشوب تازه، وضعیت را در بدترین شرایط قرار می‌دهد. این در حالی است که محاصره دریایی ایران و جلوگیری از صادرات نفت و دیگر کالاها و کاهش قابل‌اعتنای صادرات غیر از نفت نیز مزید بر علت شده و دست دولت را برای تامین مصارف حتی در اندازه بودجه ۱۴۰۵ نیز می‌بندد.

برای اینکه کسب‌وکار مردم در این آشوب تازه به مرز نیستی و نابودی نرسد و امیدهای باقیمانده زایل نشود باید تصمیم‌های تازه در کلان‌ترین سطح گرفت. این تصمیم می‌تواند به‌طور مثال رویکرد به شرق برای کمک مادی و ارزی به جمهوری اسلامی باشد و در این تصمیم باید به چین و روسیه اخطار داد که در صورت کمک نکردن واقعی ریل‌گذاری سیاست خارجی تغییر خواهد کرد. یک تصمیم می‌تواند اعطاف مرحله‌ای و کوتاه‌مدت برای آشنستی با آمریکایی‌ها و گرفتن امتیازهایی در سطوح پایین‌تر

جناب آقای کسری نوری

انتصاب شایسته جنابعالی به عنوان «مدیرعامل شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران» را تبریک و تهنیت عرض نمود. از درگاه ایزد منان موفقیت و سربلندی روزافزوتان را خواستاریم.

روزنامه جهان صنعت

اطلاعیه تغییر آدرس دفتر روزنامه جهان صنعت

با احترام؛ بدین‌وسیله به اطلاع مخاطبان، همکاران و همراهان گرامی می‌رساند که دفتر روزنامه جهان صنعت از تاریخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۳ به آدرس جدید «میدان فاطمی - خیابان جویبار - کوچه غفاری پلاک ۶ واحد ۳۰۶» منتقل می‌شود. تلفن‌های جدید: ۷-۸۸۹۱۷۷۴۶ ۵-۸۸۹۱۸۸۴۴

روزنامه جهان صنعت

این تصمیم‌ها عجیب نیست؟

یکم- زندگی اقتصادی ایرانیان هرروز عجیب‌تر از روز پیش شده و تجربه‌های شگفت‌انگیزی را تجربه می‌کند. پرسش این است که آیا این زندگی عجیب پایدار است؟ آیا می‌توان این وضعیت را ادامه داد؟

دوم- امروز با تندی قابل‌اعتنای جولان داده و پرسش‌هایی را طرح کرده‌اید که چالش‌برانگیز است. بهتر نیست قبل از ادامه داستان مثال‌هایی بیاورید که نشان دهد اقتصاد ایران پیچیده و شگفت‌انگیز و عجیب شده است؟

سوم- البته، حق با شماست. مثال اول درباره ترانستی‌ها و مطالبه دلارهای بلوکه شده است؛ یعنی اینکه ترانستی‌ها نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار از درآمد صادرات نفت‌خام را به دولت برنگردانند و جمهوری اسلامی به‌جای رسیدگی به این مسئله با همه نیروی مادی و سیاسی و برگرداندن میلیارد‌ها دلار، دنبال این است که عمیلیار دلار بلوکه‌شده در قطر را پس بگیرد که البته حق ایرانیان است.

چهارم- نمونه دیگر که تازه پرده‌برداری شده را نایب‌رییس کمیسیون واردات اتاق ایران توضیح داده است. او با اشاره به ابلاغ بخشنامه واردات مواد اولیه پتروشیمی و پلیمری از طریق رویه‌های ملوانی و کولبری گفت که ماهیت حجیم این کالاها و حجم بالای مصرف آنها استفاده از این مسیر را با محدودیت‌های جدی مواجه می‌کند و این‌روش در بهترین حالت می‌تواند به‌صورت کوتاه‌مدت و محدود به تامین بخشی از نیاز بازار کمک کند.

پنجم- ببینید، این تصمیم پس از آن گرفته شد که همه مدیران ایرانی در این دولت و دولت‌های پیشین کولبری و واردات تهنیتی را فاقد کارآمدی برای اداره اقتصاد دانسته و هرکدام وعده‌هایی برای برچیدن این نوع از فعالیت را داده بودند. کدام عقل سلیمی قبول می‌کند واردات از مسیر کولبری مواد اولیه برای فرآورده‌های پتروشیمی شگفت‌انگیز و عجیب نیست. راه درست را پیدا و در آن راه برویم.

سازمان آگهی شهرستان‌ها

از سراسر کشور

نماینده فعال می‌پذیرد

www.jahanesanat.ir

سازمان آگهی روزنامه جهان صنعت

جهان صنعت

۰۹۱۲۲۹۷۶۶۰۴

۸۸۶۱۰۰۱۹-۲۱

«جهان صنعت» موضع آمریکا درقبال تشدید تنش میان تهران و تل آویو را بررسی می کند

شکاف میان متحدان استراتژیک



«جهان صنعت» - همزمان با تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به بیروت و پاسخ موشکی ایران به این رژیم بسیاری از تحلیل‌ها پیرامون دورنمای تداوم آتش‌بس و امکان شروع مجدد جنگ طی روزهای گذشته بوده است. در چنین شرایطی و درحالی که تگرانی‌ها از تشدید تنش‌ها افزایش یافته بود روز گذشته دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در پیامی در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال از اسرائیل و ایران خواست که فورا حملات را متوقف کنند. این درخواست درحالی مطرح شد که روز یکشنبه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل برخلاف درخواست ترامپ برای خودداری از تشدید تنش‌ها عمل کرد. در همین راستا طبق گزارشی که اکسیوس منتشر کرده درگیری‌های شب یکشنبه و صبح دوشنبه شدیدترین تشدید تنش از زمان برقراری آتش‌بس در ۸ آوریل به‌شمار می‌رود. این تحولات خطر فروپاشی مذاکرات میان دولت ترامپ و ایران را افزایش داده و احتمال بازگشت مستقیم آمریکا به این جنگ را مطرح کرده است.

پشت پرده ماجرا

طبق گزارش اکسیوس یک مقام آمریکایی اعلام کرد که تماس تلفنی میان ترامپ و نتانیاهو مسترمانه بوده اما نتانیاهو با درخواست ترامپ مخالفت کرده است. این مقام آمریکایی اقدامات شدیدتر و کوبنده‌تری نسبت به گذشته انجام خواهد داد. این در حالی است که یکی از مقامات ارتش صهیونیستی پیشتر در روز دوشنبه به خبرنگاران گفته بود که این رژیم خود را برای چند روز درگیری و نبرد آماده می‌کند. ترامپ در گفتگو با رسانه اکسیوس اعلام کرده بود که از نتانیاهو خواهد خواست از اقدام تلافی‌جویانه خودداری کند تا توافقی که در حال مذاکره با ایران است نابود نشود. اندکی بعد نیز او با نتانیاهو تماس گرفت و این پیام را مستقیماً به‌وسیله منتقل کرد. با این حال چند ساعت بعد نتانیاهو دستور حمله به چندین هدف نظامی در ایران از جمله در تهران را صادر کرد. در پاسخ ایران نیز موشک‌های بیشتری را به‌سوی اسرائیل از جمله به سمت تل آویو شلیک کرد.

تعمیق شکاف آمریکا و اسرائیل

در همین رابطه تحولات اخیر میان ایران و اسرائیل و واکنش‌های متفاوت واشنگتن و تل آویو به این بحران نشانه‌های مهم از ظهور شکاف‌های راهبردی میان آمریکا و اسرائیل است؛ شکافی که اگرچه به‌معنای فروپاشی اتحاد سنتی دو طرف نبوده اما بیانگر افزایش اختلافات بر سر نحوه مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و آینده نظم امنیتی خاورمیانه است. اظهارات دونالد ترامپ مبنی بر درخواست مستقیم از بنیامین نتانیاهو برای توقف حملات و جلوگیری از تشدید تنش‌ها در کنار تصمیم نخست‌وزیر این رژیم برای ندادن به گرفتن این درخواست و ادامه عملیات نظامی علیه ایران نشان می‌دهد که سطحی از واگرایی عملیاتی و سیاسی میان دو متحد شکل گرفته است. منظر آمریکا اولویت اصلی در مقطع کنونی جلوگیری از گسترش جنگ و حفظ مسیر مذاکرات با ایران است. واشنگتن به‌خوبی آگاه است که ورود مجدد به یک درگیری گسترده در غرب آسیا می‌تواند هزینه‌های سنگین اقتصادی، امنیتی و سیاسی برای آمریکا ایجاد کند. دولت ترامپ تلاش دارد ضمن حفظ فشار بر ایران از تبدیل شدن بحران به یک جنگ فراگیر منطقه‌ای جلوگیری کند زیرا چنین وضعیتی نه تنها امنیت نیروها و پایگاه‌های آمریکایی در منطقه را تهدید می‌کند بلکه تمرکز راهبردی آمریکا بر رقابت با چین و مدیریت بحران‌های دیگر جهانی را نیز مختل خواهد کرد. در مقابل اسرائیل نگاه متفاوتی به تحولات دارد. رهبران این رژیم معتقدند که فرصت کنونی برای افزایش فشار نظامی بر ایران نباید از دست برود و هرگونه آتش‌بس یا توافق سیاسی می‌تواند موجب بازسازی توانمندی‌های ایران و متحدان منطقه‌ای آن شود. به همین دلیل تل آویو حاضر شده حتی

دور دنیا

رایزنی تلفنی ترامپ و نتانیاهو

ایرنا- گزارش رسانه‌های صهیونیستی نشان می‌دهد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پس از پاسخ‌های کوبنده ایران به اسرائیل تلفنی گفتگو کردند. شبکه ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونیستی و روزنامه جروزالم پست همزمان به نقل از یک منبع صهیونیستی گزارش دادند که ترامپ و نتانیاهو صبح امروز دوشنبه تلفنی گفتگو کردند پس از نقض مکرر آتش‌بس از سوی رژیم صهیونیستی در لبنان و حمله روز گذشته به ضاحیه بیروت فرمانده قرارگاه حضرت خاتم‌الانبیاء (ص) یکشنبه شب اعلام کرد رژیم متجاوز صهیونیستی با نقض مکرر آتش‌سرس شرارت‌های خود علیه مردم مظلوم لبنان با چراغ‌سبز و حمایت آمریکای جنایتکار و سکوت مجامع بین‌المللی را روزیروز افزایش داده و با استفاده از سلاح‌های ممنوعه از جمله بمب‌های فسفری مرتکب جنایات جنگی می‌شود. وی تاکید کرد: با وجود هشدارهای قبلی جمهوری اسلامی ایران رژیم کودک کش صهیونیستی با عبور از همه خطوط قرمز و افزایش حملات در جنوب لبنان ضاحیه بیروت را هدف قرار داده است. قبلاً اختطار داده بودیم در صورت گسترش جنایت در ضاحیه بیروت اهدافی را در سرزمین‌های اشغالی مورد هجوم قرار می‌دهیم. فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیاء گفت: ارتش صهیونیستی باید حملات خود به جنوب لبنان و ضاحیه را متوقف کرده و در صورت گسترش حملات خود به آن منطقه یا پاسخ به اقدام ایران با ضربات کوبنده‌تر و پشیمان‌کننده روه‌رو و حملات ویرانگری علیه رژیم و حامیان آن آغاز خواهد شد. بعد از ظهر روز یکشنبه دفتر نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی اعلام کرد که ارتش تحت فرماندهی نتانیاهو و کاتس، وزیر جنگ حملاتی را در ضاحیه جنوبی بیروت آغاز کرد. رئیس‌جمهور آمریکا یکشنبه شب به اکسیوس گفت که با نتانیاهو تماس می‌گیرد و به‌ویژه می‌گوید که بمحمله ایران پاسخ صهیونیستی از آن نیز بفاکس نیز گفته بود: به‌ایران می‌گویم که موشک‌هایتان را شلیک کردید. کافی است. به‌میز مذاکره بازگردید و توافق کنید. او بار دیگر ادعا کرد که ایران «به توافق نزدیک بود» و واشنگتن تلاش کرد تا از تبادل آتش و تشدید تنش جلوگیری کند.

هشدار سازمان ملل در مورد بحران غذایی

«جهان صنعت»- رئیس صندوق وابسته به سازمان ملل هشدار داد که پیامدهای جنگ خاورمیانه احتمالاً به دلیل اثرات زنجیره‌ای افزایش هزینه‌های کود و سوخت تا پایان سال منجر به بحران غذایی در سطح بین‌المللی خواهد شد. روزنامه ایریش تایمز نوشت: آلواریو، لاریو، رئیس صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD) به این روزنامه گفت: شوک قیمتی سوخت و کود کشاورزان در سراسر جهان را به‌تأخیر در کاشت محصول سوق می‌دهد. لاریو با بیان این که ما هنوز به‌طور کامل تأثیر کامل این شوک قیمتی را ندیدیم، اظهار داشت: آنچه که در طول سال خواهیم دید احتمالاً به دلیل تصمیماتی است که در حال حاضر در مورد کاشت گرفته شده بوده و به دلیل افزایش هزینه‌های حمل و نقل است که قیمت مواد غذایی را افزایش خواهد داد. این مقام صندوق بین‌المللی توسعه سازمان ملل افزود: احتمالاً تا پایان سال جاری میلادی و اوایل سال آینده شاهد برخی از تأثیرات مربوط به این شوک خواهیم بود. ایریش تایمز نوشت: پیش از بسته شدن تنگه‌های در پان قوره (اسفند) منطقه خلیج فارس ۶۲ درصد از صادرات اوره جهان را به‌عنوان پرکاربردترین کود نیروز و ۲۹ درصد از صادرات آمونیاک جهان تولید می‌کرد. این گزارش افزود: تگرانی‌های خاصی در مورد محصولاتی مانند برنج وجود داشته که بیشترین وابستگی را به‌تولد نیروز دارند. این محصول با استفاده از گاز تولید می‌شود و بیشترین لطمه را خواهد دید. ایریش تایمز افزود: کاهش کود شیمیایی موجود اکنون احساس می‌شود و حتی اگر حمل‌ونقل از سر گرفته شود احتمالاً فشار بر قیمت‌ها ادامه خواهد یافت. لاریو گفت: کشورها اکنون در آستانه اتمام ذخایر کود هستند که به‌طور معمول سه‌ماهه‌ها طول می‌کشد و حتی اگر تنگه‌های بازگشایی شود کشورهای زیادی هستند که می‌خواهند ذخایر خود را چه در سوخت و چه در کود افزایش دهند و حتی به‌سوط بالاتری نسبت به قبل برسانند.

این اقتصاددان هشدار داد: گرسنگی باعث درگیری می‌شود و درگیری باعث گرسنگی بنابراین یک چرخه میوب وجود دارد که کاملاً واضح است. احتمالاً در حال حاضر در یکی از بالاترین تعداد درگیری‌ها در جهان قرار داریم.

ترامپ زیر ذره بین معاملات مشکوک

ایسنا- یک نویسنده و تحلیلگر اقتصادی عرب با استناد به گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی نوشته که اظهارات و پیام‌های رئیس‌جمهور آمریکا در مقاطع حساس سیاسی و اقتصادی بارها موجب نوسان بازارها شده و شائبه بهره‌برداری افراد نزدیک به دولت آمریکا از اطلاعات محرمانه و سودجویی آنها را افزایش داده است. علی محمود، نویسنده و اقتصاددان مصری در یادداشتی برای روزنامه الأهرام نوشت که اگرچه تاکنون هیچ مدرک قطعی و غیرقابل انکاری درباره پیوند مستقیم ثروت و قدرت در کاخ سفید منتشر نشده اما مجموعه گزارش‌های تحقیقی منتشر شده از سوی رسانه‌ها و مؤسسات معتبر آمریکایی پرسش‌های جدی درباره سودجویی دونالد ترامپ و شماری از مقام‌های ارشد دولت او از اطلاعات حساس و محرمانه مرتبط با بازارهای مالی ایجاد کرده است. به گفته وی، به‌ویژه در جریان جنگ با ایران و پیش از آن در موضوع تعرفه‌های تجاری برخی اظهارات و پیام‌های ترامپ در شبکه اجتماعی‌اش تأثیر مستقیمی بر روند بازارها داشته و این گمانه را تقویت کرده که افراد نزدیک به رئیس‌جمهور آمریکا از اطلاعات پیش‌دستانه برای کسب سودهای کلان استفاده کردند.

نویسنده معتقد است که تنها چند نمونه منتشر شده از سوی ترامپ می‌تواند میلیاردها دلار سود نصیب افرادی کند که از تصمیمات آینده دولت اطلاع دارند؛ موضوعی که به گفته او درباره مذاکرات مربوط به پایان جنگ با ایران نیز مطرح بوده است. وی می‌نویسد روند مذاکرات ماه‌هاست پیشرفت محسوسی نداشته اما اظهارات متناقض ترامپ درباره توافق با امانه جنگ بارها موجب نوسان بازارها شده و فرصت‌های سودآوری بزرگی برای برخی معامله‌گران فراهم کرده است. در ادامه این یادداشت آمده که با افزایش تردیدها درباره احتمال دستکاری بازارها وزارت دادگستری آمریکا و کمیسیون معاملات آتی کالا تحقیقاتی را درباره معاملات نفتی مشکوک به‌ارزش بیش از ۶/۶ میلیارد دلار آغاز کردند. براساس این اطلاعات برخی از این معاملات تنها دقایقی پیش از انتشار پیام‌های ترامپ انجام شدند. نویسنده خاطرنشان می‌کند که ترامپ معمولاً پیام‌های خود را در زمان‌های حساس و نزدیک به زمان بسته شدن بازارها منتشر می‌کند؛ موضوعی که به‌طور برخی ناظران می‌تواند زمینه‌ساز کاهش یا افزایش مصنوعی قیمت‌ها و کسب سود از طریق خرید و فروش در زمان مناسب باشد. در بخش دیگری از این مقاله به گزارش‌های منتشر شده از سوی رسانه‌های آمریکایی اشاره شده است.

تحلیل

«جهان صنعت» - ترکیه در تلاش است از بحران تنگه‌های برای معرفی خود به‌عنوان یک مرکز تجاری میان خلیج فارس و اروپا از طریق عراق و سوریه بهره‌برداری کند اما کارشناسان معتقدند مسیرهای زمینی پیشنهادی همچنان بسیار پر هزینه، توسعه‌نیافته و از نظر سیاسی پر ریسک هستند و نمی‌توانند با حمل‌ونقل دریایی از مسیر هرمز-سوئز رقابت کنند.

طبق گزارشی که در این خصوص المانیاتور منتشر کرده بسته شدن تنگه‌های دریایی جنگ ایران یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان را مختل کرده است. این وضعیت خریداران آسیایی و اروپایی را وادار کرده تا به دنبال منابع جایگزین نفت خود باشند و در عین حال هزینه‌های سوخت را افزایش داده است. صادرات نفت خام آمریکا در ماه مه به‌رکورد ۶/۶ میلیون بشکه در روز رسید زیرا پالایشگاه‌ها برای جبران اختلال در جریان صادرات خاورمیانه به‌نفت آمریکا روی آوردند. اتحادیه اروپا نیز پیامی اعلام کرده که در کوتاه‌مدت انتظار کمیود سوخت جت را ندارد اما هشدار داده که قیمت‌ها از ماه فوریه تاکنون حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است. این بحران بار دیگر توجه‌ها را به مسیرهای زمینی تجارت و انرژی جلب کرده؛ مسیرهایی که می‌توانند

ترکیه چگونه از بحران تنگه‌های استفاده می‌کند؟

رویای ترانزیتی اردوغان



تجارت مختل شده ناشی از بسته شدن هرمز را جذب کند. استراتژیست ارشد احمد طبقچالی، استراتژیست ارشد صندوق AFC عراق و پژوهشگر ارشد مقریمقیم ابتکار عراق در شورای آنالیتیک معتقد است جایگزینی تنگه‌های دیگر برای سوئز «بسیار دشوار» است. او به‌المانیاتور گفت: هرمز صرفاً یک مسیر صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی نبوده بلکه مسیر عبور بسیاری از کالاهای حیاتی دیگر از جمله کودهای شیمیایی است و واردات منطقه نیز از همین مسیر انجام می‌شود. براساس برآوردهای پروژه جاده توسعه پس از تکمیل قادر خواهد بود سالانه حدود ۶/۴ میلیون کانتینر و ۳۸/۲ میلیون تن بار فله را جابه‌جا کند. این درحالی است که تنگه‌های هرمز و کانال سوئز در حال حاضر چندین برابر این حجم را مدیریت می‌کنند. **سوریه؛ جایگزینی شکننده** سوریه نیز گزینه جایگزین دیگری محسوب می‌شود اما از ثبات بسیار کمتری برخوردار است. برای کشورهای خلیج فارس احیای کریدور سوریه می‌تواند مسیر دیگری به‌دربار مدیریتانه فراهم کند و امکان اتصال عراق و ایران به بازارهای اروپایی را نیز به‌وجود آورد. این موضوع با تلاش برای احیای نفتی نقش بزرگ‌تر در سوریه همسو است.

کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) هستند. این پروژه که با حمایت آمریکا و هند طراحی شده و در اجلاس گروه ۲۰ در سال ۲۰۲۳ معرفی شد قرار است هند را از طریق امارات متحده عربی، عربستان سعودی، اردن و اسرائیل به اروپا متصل کند. در این طرح کالاها ابتدا از طریق دریا از هند به بنادر خلیج فارس منتقل شده و سپس از طریق شبکه‌های زمینی در شبه‌جزیره عربستان و اردن به‌بنادر اسرائیل و دریای مدیترانه می‌رسند. برای آنکارا این پروژه هم چالش اقتصادی و هم چالش سیاسی ایجاد می‌کند. اجرای آن موجب تقویت پیوندهای تجاری میان کشورهای خلیج فارس، اسرائیل، هند و اروپا خواهد شد و نقش ترکیه را کم‌رنگ می‌کند. آن‌هم در شرایطی که روابط ترکیه و اسرائیل بر سر جنگ غزه به‌شدت تیره شده و روابط ترکیه و هند نیز به‌دلیل نزدیکی آنکارا به پاکستان با تنش همراه است. این پروژه از حمایت اروپا نیز برخوردار شده است. نتایج اخیر در جریان سفر نارترا، مودی، نخست‌وزیر هند بهرم در ماه مه بار دیگر حمایت خود را از این کریدور اعلام کرد. با این حال همانند جاده توسعه عراق و گزینه سوریه کریدور هند-خاورمیانه-اروپا نیز با فاصله قابل توجهی میان اهداف بلندپروازانه و امکان اجرای واقعی مواجه است. جنگ غزه از اکتبر ۲۰۲۳ اختلالات ایجاد شده در مسیرهای دریای سرخ، حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران و سپس حملات ایران به کشورهای حوزه خلیج فارس همگی قابلیت اجرای این پروژه را با چالش روبه‌رو کردند. شاهباز این طرح را عمدتاً مجموعه‌ای از شعارها و وعده‌ها توصیه می‌کند و به‌توقف روند عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل، نبود زیرساخت ریلی در اردن و تنش‌های موجود میان عربستان سعودی و امارات متحده عربی اشاره دارد؛ عواملی که هماهنگی گسترده‌تر میان کشورهای خلیج فارس را دشوار می‌کند.

یارب بدر، وزیر حمل‌ونقل سوریه در ماه مه اعلام کرد که دمشق در پی احیای جایگاه خود به‌عنوان یک کریدور منطقه‌ای میان اروپا و خلیج فارس است. این هدف از طریق احیای حمل‌ونقل جاده‌های فرامرزی و بازسازی خطوط ریلی با کشورهای همسایه دنبال می‌شود. ترکیه نیز از این رویکرد حمایت کرده است. در آوریل ترکیه، سوریه و اردن در امان توافق همکاری سه‌جانبه حمل‌ونقل را امضا کردند. عبدالقادر اورال اوغلو، وزیر حمل‌ونقل ترکیه اعلام کرد که سه کشور برای نوسازی شبکه‌های ریلی خود و ایجاد یک کریدور از جنوب اروپا تا خلیج فارس به‌توافق رسیدند. آنکارا پیشنهاد احیای راه‌آهن تاریخی حجاز را نیز مطرح کرده؛ خطی که از سوریه، اردن و عربستان عبور می‌کند و در آینده می‌تواند تا منطقه خلیج فارس امتداد یابد. اوامال شاهباز، کارشناس اقتصاد بین‌الملل و بنیانگذار شرکت مشاوره اوصال در استانبول نسبت به عملی‌بودن مسیر سوریه با احتیاط سخن گفته و یادآور شده که زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای سوریه همچنان به‌شدت آسیب‌دیده هستند. او به‌المانیاتور گفت: حمل‌ونقل دریایی تقریباً ۱۰ برابر ارزان‌تر است. به گفته وی، هزینه‌های بالای تمکک زمین، ساخت زیرساخت‌ها و بهره‌برداری از شبکه‌های جاده‌ای و ریلی در مسافت‌های طولانی باعث می‌شود کریدورهای زمینی از نظر اقتصادی توان رقابت با مسیرهای تثبیت شده دریایی را نداشته باشند. با این حال او معتقد است چنین کریدورهای در شرایط بحرانی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. ارزش اصلی آنها نه در جایگزینی کامل مسیرهای دریایی بلکه در فراهم کردن ظرفیت پشتیبان در زمان اختلال در مسیرهای اصلی کشتیرانی است. **رقابت کریدورها** تلاش برای تبدیل شدن به‌محور اتصال منطقه در شرایطی صورت می‌گیرد که بازیگران دیگری نیز در حال پیشبرد طرحی رقیب به‌نام

گزارشی از خط‌مقدم انرژی در قلب پایتخت

تهران در غیاب مخازن

سحر شقاقی* -» اواخر اردیبهشت۱۴۰۵ حدود ۷۰روز از آن شب تلخ و

فراموش‌نشندی می‌گذرد؛ شبی که آسمان تهران با نور انفجارهای مهیب در انبارهای نفت ششپری، شهران و اقدسیه روشن شد و دود سیاه آفتاب پایتخت را برای روزها بلعید. امروز در بازدید میدی میدانی از پالایشگاه نفت تهران عمق فاجعه‌ای که امنیت انرژی کلان‌شهر تهران را نشانه رفته عیان‌تر از همیشه خوندنمای می‌کند.

■ **میراثی در فشار حداکثری**

پالایشگاه تهران با قدمتی ۰ساله که یادگار سال۱۳۴۸ است در زمینی به‌وسعت ۷۷۰هکتار ایستاده است. این غول صنعتی که ظرفیت اسمی‌اش بالایش ۲۳۰هزار بشکه نفت خام در روز است حالا در نقش تنها «شریان حیاتی» تهران تحت فشاری بی‌سابقه قرار دارد. پس از نابودی کامل انبارهای شرکت پخش فرآورده‌های نفتی ری این پالایشگاه ناچار است فراتر از ظرفیت اسمی خود کار کند تا نه برای انبار که برای «تولید لحظه‌ای» نیازهای شهر را تامین کند.

این مرکز قلب تپنده سوخت‌رسانی هوایی کشور نیز هست؛ جایی که ۴۵درصد

هستی عبادی - آسبب بفرخی زیرساخت‌های

انرژی و پتروشیمی در جریان جنگ اخیر تنها به‌توقف یا کاهش تولید چند مجتمع محدود نشد بلکه این اتفاق زنجیره تامین دهه‌صامت پابین‌دستی را تحت تاثیر قرار داد. در شرایطی که دولت از برنامه‌های بازسازی و احیای ظرفیت‌های صنعتی سخن می‌گوید فعالان اقتصادی می‌گویند که بازگشت تولید به‌سطح پیش از جنگ بدون ترمیم حلقه‌های آسیب‌دیده زنجیره پتروشیمی امکان‌پذیر نخواهد بود.

صنعت پتروشیمی در اقتصاد ایران تنها یک بخش صادراتی نیست این صنعت تامین‌کننده اصلی مواد اولیه صدها واحد تولیدی در صنایع نساجی، بستعبندی، خودرو، لوازم خانگی، تجهیزات پزشکی، ساختمان و بسیاری از فعالیت‌های صنعتی دیگر است. از این رو هرگونه اختلال در تولید محصولات پایه‌ای مانند پلی‌اتیلن، پلی‌پروپیلن، PVC، پلی‌استر و سایر پلیمرها مستقیما به‌صنایع پابین‌دستی منتقل می‌شود.

در جریان جنگ تحمیلی سوم بخشی از تاسیسات انرژی و پتروشیمی با محدودیت در تولید و اختلال در تامین خوراک مواجه شدند؛ آسیب‌هایی که حتی باوجود آتش‌رس در شروع جنگی دیگر که از دوشنبه شب آغاز شد ادامه دارد. تجربی‌های ناشی از حملات دشمن کاهش تولید در برخی مجتمع‌ها و مشکلات لجستیکی ناشی از شرایط جنگی باعث شد عرضه بخشی از محصولات پتروشیمی در بازار داخلی کاهش یابد. نتیجه این وضعیت افزایش نگرانی تولیدکنندگان درباره تامین مواد اولیه رشد هزینه‌ها و دشوار ترشن برنامه‌ریزی تولید بود. کارشناسان معتقدند مهم‌ترین چالش امروز صنعت پتروشیمی فقط بازسازی واحدهای آسیب‌دیده نبوده بلکه احیای کامل زنجیره تامین از مرحله خوراک تا محصول نهایی است. در این زنجیره گاز طبیعی و میعانات گازی به‌عنوان خوراک اصلی واحدهای پتروشیمی نقش محوری دارند. هرگونه اختلال در تامین خوراک تولید محصولات پایه را کاهش داده و این کاهش به‌سرعت به‌صنایع پابین‌دستی منتقل می‌شود.

■ **دولت چگونگی می تواند زنجیره ر احیا کند؟** صنایع تکمیلی پتروشیمی طی سال‌های گذشته بارها نسبت‌به ناپایداری عرضه مواد اولیه هشدار دادند غافل از آنکه صدای آنها از سوی مراکز تصمیم گیر شنیده شده باشد این هشدارها را اغلب انجمن ملی صنایع پلیمر ایران

گزارش ۲

نفت خبیر - درحالی که ارتش اسرائیل از حمله بهچندین هدف در تاسیسات پتروشیمی ایران در ماهشهر خبیر داده و مقام‌های منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی نیز از اصابت دست‌کم دو نقطه به پتروشیمی کارون و تخلیه اضطراری کارکنان روز کار خبیر دادند. در این شرایط توجه به جایگاه ویژه این مجتمع در زنجیره صنعتی ایران اهمیت زیادی دارد. پتروشیمی که تولیدات آن مستقیما با محصولات مصرف‌شده مردم رابطه مستقیمی دارد.

■ **اهمیت پتروشیمی کارون**

پتروشیمی کارون برخلاف بسیاری از مجتمع‌های پتروشیمی ایران که محصولات پایه‌ای مانند متانول، اوره یا پلی‌اتیلن تولید

سوخت هواپیماهای ایران در آن تولید می‌شود. مدیرعامل پالایشگاه با اشاره به‌پروژه‌های نیمه‌تمام می‌گویند: «اگر واحد CCR به‌طور کامل عملیاتی شود می‌توانیم بنزین یورو۹۵ تولید کنیم که در کیفیت سرآمد است. تولید فرآورده ویژه هگزان در اینجا چرخ‌های صنعت چرم و روغن‌سازی کشور را به‌حرکت درآورده است.»

■ **سایه سنگین فرصت‌های از دست‌رفته**

درمیان گفت‌وگوها تلخی یک خاطره قدیمی دوباره زنده می‌شود آن‌هم سال ۲۰۱۶ وقتی امید به‌نوسازی زیرساخت‌ها با حضور هیات ژاپنی پررنگ شده بود. قرار بود با احداث واحد آپ‌کزدینگ تولید بنزین یورو به ۱۲ میلیون لیتر در روز برسد و تولید نفت کوره آلاینده کاهش یابد اما با بازگشت تحریم‌ها ژاپنی‌ها بار سفر بستند و آن رویای فناورانه در میانه راه انتر ماند.

■ **منظره‌ای از خاکستر**

کافی است پشت فئنه‌های پالایشگاه بایستید تا منظره‌ای غم‌انگیز از مخازن سوخته را ببینید؛ یادگاری از ۱۶استد۱۴۰۰. انبار نفت ری که روزگاری با ۴۰مخزن عظیم، ظرفیت ذخیره‌سازی ۸۳۰میلیون لیتر نفت و فرآورده را داشت و بزرگ‌ترین ترمینال نفتی کشور بود امروز به‌تلی از آهن و خاکستر بدل شده است. دیگر حتی

گزارش «جهان صنعت» از تبعات جنگ بر زنجیره ارزش صنعت پتروشیمی فراموش‌شده‌های پتروشیمی



آسبب‌دیده و بازگرداندن ظرفیت تولید مجتمع‌های پتروشیمی به‌مدار تولید قرار دارد. هرچه زمان توقف واحدها کوتاه‌تر شود هزینه‌های تحمیل‌شده به‌صنایع پابین‌دستی نیز کاهش خواهد یافت.

کام‌دوم تامین مالی پروژه‌های بازسازی و سرمایه‌در گردش واحدهای صنعتی است. بسیاری از تولیدکنندگان در دوره جنگ با کاهش نقدینگی و افزایش هزینه‌های تامین مواد اولیه مواجه شدند. از این رو استفاده از ابزارهایی مانند تامین مالی زنجیره‌ای، فروش اعتباری مواد اولیه و خطوط اعتباری ویژه می‌تواند بخشی از فشار موجود را کاهش دهد.سومین محور مدیریت بازار مواد اولیه است. فعالان صنایع تکمیلی معتقدند در دوره بازسازی باید لولویت بیشتری به‌تامین نیاز داخل داده شود تا واحدهای تولیدی بتوانند فعالیت خود را از سر بگیرند. درغیراین‌صورت حتی با بازگشت ظرفیت تولید پتروشیمی‌ها نیز بخشی از صنایع پابین‌دستی همچنان با کمبود مواد اولیه روبرو خواهند بود.

■ **آسبب به‌اتهای زنجیره پتروشیمی**

زنجیره ارزش پتروشیمی رشته‌های بسیاری از صنایع را شامل می‌شود؛ از لاستیک و پلاستیک گرفته تا رنگ‌های صنعتی و پلی‌استرهای نساجی. اخیرا تفاهمنامه

انرژی

دریافت ایده‌ها، اخبار و رویدادهای اقتصادی
t.me/jahansanatpress

یک قطره نفت هم در آنجا ذخیره نمی‌شود. وخامت اوضاع زمانی آشکار می‌شود که می‌دانیم هزینه ساخت هر مخزن بین ۴تا۵میلیون یورو بوده؛ رقمی سستگین که با‌توجه به‌ضرات مهلک جنگ به‌صنعت فولاد نسبت تامین آن به‌معنای پیچیده بدل شده است.

■ **بن بست لجستیکی**

امروز در پایتخت هیچ جایگزینی برای آن مخازن عظیم وجود ندارد. زنجیره تامین از حالت ذخیره و توزیع به‌وضعیت تولید و مصرف آنی تغییر ماهیت داده است. بنزینی که پیش‌تر از پالایشگاه سازنده اراک بفری می‌آمد و از آنجا به‌سراسر کشور توزیع می‌شد اکنون باید مستقیما از خروجی پالایشگاه به‌نفت‌کش‌ها و خطوط انتقال فرآورده تحویل داده شود. این نبود «پافر» یا همان انبار ذخیره‌سازی به‌معنای آن است که هر اختلال کوچکی در فرآیند تولید یا انتقال می‌تواند تهران را با بحران سوخت روبرو کند. امنیت انرژی پایتخت امروز بیش از هر زمان دیگری در شرایط بحرانی و پیچیده قرار گرفته؛ وضعیتیی که مدیریت آن بیش از آنکه به‌سیاست‌های معمول نیاز داشته باشد نیازمند یک استراتژی تاب‌آورانه برای زنده ماندن درمیان غبار جنگ است.

■ **کارشناس انرژی**

نساجی به‌لنازه کافی تامین نشود.

خادمی با اشاره به‌یامادهای اسبب وارد شده بهفرخی تاسیسات انرژی و پتروشیمی در جریان جنگ اخیر گفت: صنعت پتروشیمی در ایران صرفا یک صنعت صادراتی نیست بلکه ستون فقرات تامین مواد اولیه صدها واحد صنعتی به‌شمار می‌رود. هرگونه اختلال در تولید مجتمع‌های پتروشیمی یا محدودیت در تامین خوراک آنها به‌سرعت به‌صنایع پابین‌دستی منتقل می‌شود و زنجیره‌ای از مشکلات را در بخش‌های مختلف تولید به‌وجود می‌آوردوی افزود: کاهش تولید برخی محصولات پایه مانند پلی‌پروپیلن، پلی‌اتیلن، پلی‌استر و سایر مواد مورد نیاز صنایع تکمیلی باعث شده بسیاری از واحدهای تولیدی یا دشواری در تامین مواد اولیه روبرو شوند. درچنین شرایطی نرفته‌ها هزینه تولید افزایش می‌یابد بلکه امکان برنامه‌ریزی برای تولید و صادرات نیز کاهش پیدا می‌کند.

این کارشناس انرژی با بیان اینکه احیای صنعت پتروشیمی پیش‌ش شرط بازگشت رونق به‌بسیاری از صنایع کشور است، تصریح کرد: بازسازی تاسیسات آسیب‌دیده تامین پایدار خوراک و بازگردادن ظرفیت‌های تولید به‌مدار فعالیت باید در اولویت قرار گیرد. زمانی‌که حلقه‌های بالادستی زنجیره پتروشیمی به‌وضعیت پایدار نرسند صنایع پابین‌دستی از جمله نساجی، پلاستیک، بستعبندی، قطعه‌سازی و لوازم خانگی همچنان با چالش تامین مواد اولیه مواجه خواهند بود.خادمی تاکید کرد: تجربه موفق واحدها و صنایع مستقیم تامین‌کنندگان مواد اولیه به‌مصرف‌کنندگان صنعتی است. هرچند نساجی تنها یکی از مصرف‌کنندگان محصولات پتروشیمی محسوب می‌شود اما چنین توافق‌هایی می‌تواند الگویی برای سایر صنایع پابین‌دستی نیز باشد. صنایع مستقیم قطعه‌سازی و پتروشیمی باید در خدمت احیای زنجیره تولید داخلی قرار گیرد تا واحدهای صنعتی بتوانند با اطمینان بیشتری فعالیت خود را ادامه دهند. به‌گفته‌وی، رونق دوباره صنایع پابین‌دستی درنهایت به‌افزایش اشتغال، رشد تولید و تقویت صادرات غیرنفتی منجر خواهد شد. فعالان انجمن‌های صنایع تکمیلی معتقدند احیای صنعت پتروشیمی باید فراتر از بازسازی واحدهای آسیب‌دیده باشد. از نگاه آنها بازگشت ثبات به‌بازار مواد اولیه، تخصیص خوراک پایدار، افزایش عرضه محصولات پلیمری در بازار داخل، تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی و توسعه تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند به‌بازسازی زنجیره تامین کمک کند.

زنجیره‌ای از صنایع پابین‌دستی از میلمان

و ساختمان تا خودروسازی و لوازم‌خانگی را تحت‌تایر قرار می‌دهد.

■ **درباره پروژه بزرگ هایکو**

این مجتمع در سال‌های اخیر اجرای پروژه‌ای موسوم به «هایکو» را نیز دنبال کرده؛ طرحی که هدف آن رفع گلوگاه‌های تامین خوراک و رساندن تولید به‌ظرفیت کامل عنوان شده است. مدیران شرکت پیشتر اعلام کرده بودند که به‌رهبرداری کامل از این پروژه می‌تواند بخشی از محدودیت‌های ساختاری تولید را برطرف کند. در شرایطی که جزئیات میزان خسارت وارده به پتروشیمی کارون هنوز به‌طور رسمی اعلام نشده تحلیلگران معتقدند اهمیت این مجتمع به‌تنها در ارزش

از همین رو است که پتروشیمی کارون را می‌توان یکی از حساس‌ترین دارایی‌های صنعتی ایران در حوزه پتروشیمی دانست. مجموعه‌ای که نقش آن تنها تولید یک محصول نیست بلکه تامین کننده حلقه‌ای کلیدی در زنجیره صنایع پابین‌دستی کشور به‌شمار می‌رود.

آگهی فقدان

کارت خودروی سواری هاچ‌بک سالیبا تیپ ۱۱۱SE رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۲ شماره شاسی ۰۶۹D5۷5۶۰۳۱۱۰۰NASE شماره موتور ۰۰۹E۹۸E۰۶۸ ۶۲۵۲۹۳ به نام محرمعلی تک‌زارع شماره ملی ۰۹۰E۸۹۱۱۸۰۳۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نظرآباد

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجناب رضا محمدی فرزند غلامحسین محمدی به شماره شناسنامه ۰۹۱۳۰۳۰۰۲۳E۸۹۰ صادره از ساوجبلاغ مقطع کارشناسی رشته برق (قدرت) صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۰۵۳۶۰۱۱۵۹۳۱۱۵ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از پاینده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج -انتهای رجایی‌شهر- تقاطع بلوار موزن و استقلال- صندوق پستی ۳۱۳-۳۱۴E۸۵۰۳۱ ارسال نماید.

اداره دانش‌آموختگان واحد کرج نظرآباد

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجناب رضا محمدی فرزند غلامحسین محمدی به شماره شناسنامه ۰۹۱۳۰۳۰۰۲۳E۸۹۰ صادره از ساوجبلاغ مقطع کارشناسی رشته برق کنترل (برابر دقیق) صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۰۲۹۳۳۰۱۱۵۹۱۳۹۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از پاینده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج -انتهای رجایی‌شهر- تقاطع بلوار موزن و استقلال- صندوق پستی ۳۱۳-۳۱۴E۸۵۰۳۱ ارسال نماید.

اداره دانش‌آموختگان واحد کرج نظرآباد

خبر

پاکنژاد تکلیف کارت‌های سوخت و بانکی را

روشن می‌کند

خانه ملت - وزیر نفت با اشاره به‌آمدگی برای اجرای راهکار ارتباط کارت بانکی با کارت سوخت گفت که زیرساخت‌های اجرای کارت بانکی آماده و نیازمند همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی است.

محسن پاک‌نژاد در نشست مجازی مجلس شورای اسلامی بیان کرد: ما روزانه حدود ۱۰ میلیون لیتر بنزین تولید می‌کنیم و این مقدار حداکثر توان ماست. از سوی حدود ۲۰ میلیون کارت هوشمند سوخت فعال در کشور وجود دارد.

وی افزود: اگر به‌تولید داخل متکی باشیم با فرض اینکه نمی‌توانیم واردات داشته باشیم می‌شود سوخت را مدیریت کرد؛ این واقعیت میدانی ماست و در چارچوب این موضوع شماری از راهکارها ارائه می‌شود که راهکارهایی موثر هستند.

وزیر نفت با اشاره به‌آمدگی برای اج‌رای راهکار ارتباط کارت بانکی با کارت سوخت تصریح کرد: زیرساخت‌های اجرای کارت بانکی آماده بوده و نیازمند همکاری وزارت امور اقتصادی و دارایی بوده که تاکنون اتفاق موثری در این‌باره رخ نداده و نیازمند پیگیری است.

پاک‌نژاد گفت: راهکارهای دیگری هم برای مدیریت سوخت درحال انجام است. وظیفه وزارت نفت تولید، تامین، انتقال و توزیع سوخت است اما برای رهایی از مشکل تامین سوخت نیازمند همراهی مردم هستیم اکنون نمی‌توان تنها قیمت‌های را برای سوخت مطرح کرد زیرا شرایط اقتصادی و اجتماعی پاسخگو نیست و البته مشکل را هم حل نمی‌کند.

وی بیان کرد: راهکارهایی نظیر اینکه به‌فازای هر کل ملی سوخت تخصیص داده شود مطلوب است زیرا عدالت اجتماعی رعایت می‌شود. البته نمی‌دانم زیرساخت چنین طرحی چه زمانی آماده می‌شود. اگر الگویی کالابرگ برای ارائه سوخت پاسخگو بوده باید اولو‌گیری از رویارویی با این مشکل در آینده همین الگو را جمع‌بندی کنیم.

وزیر نفت گفت: بنده فقط طرح مساله کردم. برای مدیریت مصرف سوخت نیازمند همفکری هستیم. پیشنهادهایی هم ارائه دادیم که در کارگروه بررسی شده است پاک‌نژاد تصریح کرد: زمانی که یک پالایشگاه هدف حمله قرار می‌گیرد فرآیندی برای تعیین خسارت داریم. برای تشخیص تجهیزات سالم و قابل اصلاح باید اورابرداری و بررسی‌های مهندسی انجام شود. همکاریم در شرکت‌های ملی نفت و گاز ایران در زمینه اورابرداری پیشرفت ۸۰درصدی داشتند.

تصمیم آبفا برای جیره‌بندی آب

ایلنا- سخنگوی آبفاي تهران اعلام کرد که برنامه‌ای برای نوبت‌بندی آب نداریم و امیدواریم با همراهی مردم از تابستان بدون مخاطره عبور کنیم.

بهنام بخشی در نشست خبری با بیان اینکه با نزدیک‌شدن به‌فصل گرم سال شاهد کاهش ۲۵ لیتری سرانه مصرف بودیم و این امید ایجاد شد که در کنار اقدامات فنی برنامه‌های فرهنگی و ظرفیت مدیریت مصرف وجود دارد، اظهار داشت: باید همچنان نسبت‌به تداوم مدیریت مصرف تا رسیدن به‌سرانه مصرف ۱۳۰ لیتر در پایتخت اقدام کنیم که تحقق این مسیر با همراهی مردم سخت نیست.

وی تصریح کرد: ابتدای سال ۱۴۰۴ تا۲۹درصد مشترکین جزو خوش‌مصرف‌ها بودند. با پایش صورت‌گرفته این میزان در اسفندماه به ۰۴درصد و در ۱۵ خرداد سال جاری به ۰۵درصد رسیده است.

سخنگوی آبفای تهران با بیان اینکه همراهی مردم ما را از شرایط شکننده عبور داد ابراز امیدواری کرد که به‌مصرف‌ها و به‌مصرف‌ها میزان مصرف را کاهش دهند. به‌گفته‌ او، رویکرد ما حرکت به‌سمت افزایش و دعوت به‌مصرف منصفانه هوشمندانه بوده چرا که مردم شریک استراتژیک ما هستند. هرچا مردم همراه بودند برنامه‌های کاهش مصرف صرف شده است.

بخشی با بیان اینکه با سرانه ۳۰ لیتر ۵۲فلیتر فاصله داریم، گفت: کاهش این میزان مصرف در گام اول به‌راحتی میسر نیست. به‌شهروندان برمصرف استفاده از ابزارهای کاهنده را پیشنهاد دادیم و دستگاه‌های اداری و اجرایی را الزام به‌استفاده از ابزارهای کاهنده کردیم. دستگاه‌های اداری و اجرایی نیز ملزم به‌کاهش ۲۵درصدی نسبت‌به مدت مشابه شدند. حتی ممنوعیت استفاده از آب نما و فواره به‌ادارات ابلاغ شد.

سخنگوی آبفای تهران با بیان اینکه سال آبی امسال را با کمترین میزان ذخایر سدها آغاز کردیم، تصریح کرد: ابتدای سال میزان ذخایر سدهای تهران ۲۵۰میلیون لیترمکعب و این میزان سال گذشته ۲۵۰میلیون مترمکعب بود.

شکاف بی‌سابقه میان نفت نقدی و آتی

بازار- شکاف بی‌سابقه میان نفت نقدی و آتی از نگرانی بازار نسبت‌به عرضه

حکایت دارد.

داده‌های جدید بازار نفت نشان می‌دهد پس از جنگ ایران فاصله میان قیمت نفت فیزیکی و قراردادهای آتی به‌طور محسوسو افزایش یافته و به‌یکی از مهم‌ترین نشانه‌های نگرانی بازار از وضعیت عرضه جهانی انرژی تبدیل شده است.

براساس نمودار منتشرشده از روند معاملات نفت خام وست‌تگراس اینترمدیت (WTI)، اختلاف قیمت نفت نقدی (Spot) با قراردادهای آتی که بیش از جنگ حدود ۲۰درصد بود اکنون به‌نزدیکی ۵۰درصد رسیده است. این موضوع بیانگر آن است که خریداران حاضرند برای تحویل فوری نفت هزینه‌ای به‌مراتب بیشتر از قیمت‌های ثبت‌شده در بازارهای کاغذی و قراردادهای آتی پرداخت کنند.

تحلیل نمودار نشان می‌دهد از اواخر فوریه ۲۰۲۶ و هم‌زمان با تشدید تنش‌های منطقه‌ای قیمت نفت نقدی روندی صعودی‌تر از قراردادهای آتی را در پیش گرفته است. درحالی‌که نفت نقدی در برخی مقاطع به‌محدوده ۱۴۰دلار در هر بشکه نزدیک شده قیمت قراردادهای آتی در سطوح پابین‌تری قرار داشته و همین مساله باعث شده شکاف قیمتی به‌بالاترین سطح خود در ماه‌های اخیر برسد.

افزایش شکاف میان بازار نقدی و بازار آتی معمولا زمانی رخ می‌دهد که فعالان اقتصادی نسبت‌به کمبود عرضه یا اختلال در مسیرهای انتقال انرژی نگران باشند. درچنین شرایطی نقدی که قابلیت تحویل فوری دارد ارزش بیشتری نسبت‌به قراردادهایی پیدا می‌کند که تحویل آنها به‌ماه‌های آینده موکل شده است

قول معاون وزیر برای بازسازی پالایشگاه‌ها

شانا- مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران گفت که باوجود چالش‌های مالی بازسازی واحدهای پالایشگاهی باسرعت مطلوب و تکلیه‌بر توان داخلی آغاز شده است.

حمید بودر در نشست با نمایندگان مجلس با تشریح وضعیت تاسیسات این صنعت پس از حوادث اخیر اظهار داشت: گزارش کاملی از مسائل و خسارات وارده شده به‌تاسیسات نفتی به‌مجلس ارائه شد و خوشبختانه عملیات بازسازی بدون معطلی آغاز شده است.

وی با تاکید بر اینکه صنعت نفت منتظر تامین نهایی منابع مالی نمانده و کار را آغاز کرده، افزود: باوجود اینکه برای پیشبرد پروژه‌ها به‌شدت به‌منابع مالی نیاز داریم و پیشنهادهایی را در قالب طرح‌های مختلف به‌دولت و مجلس ارائه دادیم اما ضرورت کشور ایجاب می‌کند که این پالایشگاه‌ها و تاسیسات در سریع‌ترین زمان ممکن به‌مدار تولید بازگردند. از همین رو کار با سرعت بسیار خوبی درحال پیشرفت است و برد وعده داد: من ازطرف تمام همکاریم در شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران قول می‌دهم که فازبه‌فاز و گام‌به‌گام این تاسیسات را به‌مدار تولید بازگردانیم تا شکاف به‌قدرت اقتصاد کشور صورت گیرد. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران به‌فعالیت‌گسترده پیمانکاران و متخصصان داخلی اشاره کرد و گفت: با‌توجه به‌توانمندی فنی بالایی که در کشور وجود دارد تسامی بخش‌های اجرایی و پیمانکاران پای کار هستند. هماکنون درهریک از پالایشگاه‌ها ما بالغ‌بر هزارو۰۰۰نفر نیروی متخصص مشغول به‌کار هستند تا روند بازسازی هرچه‌زودتر به‌سر انجام برسد.

«جهان صنعت» - در ظاهر ماجرا

همچیز ساده به نظر می‌رسد. دولت برای بهبود وضعیت معیشتی اعضای هیات علمی دانشگاه تصمصیم به افزایش حقوق آنان گرفت. تصمیمی که با هدف جلوگیری از کاهش جذابیت حرفه دانشگاهی، حفظ نخبگان و تقویت ظرفیت علمی کشور اتخاذ شد اما تنها چند ماه بعد همین تصمیم به یکی از پر تنش ترین منازعات دولت تبدیل شد؛ منازعه‌ای که پای وزارتخانه‌ها، نهادهای نظارتی، دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها و حتی عالی‌ترین سطوح دولت را به میان کشاند.

ماجرا از جایی پیچیده شد که سیاستی با آثار مالی گسترده، پیش از آنکه درباره نحوه اجرا، سازوکار ارزیابی عملکرد، شیوه تامین منابع و پیامدهای آن بر نظام پرداخت دولت توافق نهایی حاصل شود، وارد مرحله اجرا شد. در نتیجه تصمیمی که قرار بود بخشی از مشکلات معیشتی دانشگاهیان را حل کند، به تدریج به محل اختلاف میان نهادهای مختلف تبدیل شد. هر دستگاه از زاویه‌ای متفاوت به موضوع نگاه می‌کرد؛ برخی بر ضرورت حمایت فوری از دانشگاه و جلوگیری از مهاجرت نخبگان تاکید داشتند، بعضی نگران تبعات آن برای عدالت در پرداخت میان کارکنان دولت بودند و عده‌ای دیگر نسبت به آثار مالی و تعهدات بلندمدتی که بر بودجه عمومی تحمیل می‌شد هشدار می‌دادند.

در این میان عجیب‌ترین بخش ماجرا آن بود نهادهای که در نهایت بیشترین انتقادها متوجه آن شد، همان نهادهای بود که در آخرین حلقه زنجیره تصمیم‌گیری قرار داشت. گویی تمام اختلافات حل‌نشده درباره طراحی سیاست، نحوه اجرا، سازوکار پرداخت و آثار مالی آن، در نهایت به مساله‌ای بودجه‌ای تقلیل یافت. در حالی که بررسی روند شکل‌گیری این پرونده نشان می‌دهد بخش مهمی از بحران کنونی نه در مرحله تامین اعتبار بلکه در مراحل پیشین و آثار مالی آن، و آمادگی سیاست شکل گرفته است. پرونده افزایش حقوق اعضای هیات علمی از این منظر نمونه‌ای از برخورد سه منطقی متفاوت در ساختار حکمرانی کشور است؛ تلاش برای حفظ سرمایه انسانی و جلوگیری از مهاجرت نخبگان، ضرورت رعایت عدالت در نظام پرداخت کارکنان دولت و الزام به حفظ انضباط مالی در شرایط بودجه‌ای شدید منابع عمومی. همین برخورد سه‌گانه است که یک تصمیم‌گیرنده متدبّر را به یکی از پیچیده‌ترین منازعات سیاسی دولت در سال‌های اخیر تبدیل کرده است.

حقوق اساتید فقط نوک کوه یخ است

افزایش حقوق اعضای هیات علمی را اگر در سطح یک مطالعه منطقی یا یک تصمیم‌گیری مبتنی بر بخش اصلی مساله در دست می‌رود، ظاهر ماجرا این است که گروهی از استادان دانشگاه، به دلیل افت شدید قدرت خرید، فاصله درآمدی با موقعیت‌های مشابه در خارج از کشور، و نگرانی از مهاجرت نخبگان، مشمول افزایش دریافتی شده‌اند اما عمق ماجرا فراتر از این است. این پرونده نشان داد که نظام پرداخت در بخش عمومی ایران با یک بحران ساختاری روبه‌رو است؛ بحرانی که هر بار از دریاچه یک گروه شغلی خود را نشان می‌دهد اما ریشه آن در نبود یک چارچوب منسجم برای پیوند دادن عدالت، عملکرد، تخصص، منابع مالی و اولویت‌های توسعه‌ای کشور است. در نظام اداری ایران حقوق گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر دولت در قالب‌های متفاوت و گاه ناممکون پرداخت می‌شود. اعضای هیات علمی، پزشکان، قضات، معلمان، کارکنان اداری، پرستاران، نیروهای مسلح و بازنشستگان هر کدام منطبق خاصی برای مطالبه افزایش حقوق دارند. برخی بر تخصص و کمیابی فشار کاری، عده‌ای بر منزلت حرفه‌ای، برخی بر شرایط خاص کشور و بعضی به عقب‌ماندگی مزدی نسبت به تورم، مساله اینجاست که دولت برای پاسخ‌دادن به این مطالبات، فاقد یک زبان مشترک و معیار واحد است. در نتیجه هر تصمیم مزدی، به جای آنکه بخشی از یک اصلاح نظاممند باشد، به یک پرونده مستعلی پرونده و مناقشه‌برانگیز تبدیل می‌شود. پرونده حقوق اعضای هیات علمی دقیقاً در همین نقطه اهمیت پیدا می‌کند. اصل دغدغه درباره وضعیت معیشتی استادان دانشگاه قابل‌انکار نیست. در چنین سال‌های اخیر تورم مزمن، کاهش ارزش پول ملی و گسترش فرصت‌های مهاجرتی باعث شده موقعیت شغلی دانشگاه به‌ویژه برای اعضای جوان‌تر هیات علمی، جذابیت گذشته را نداشته باشد. برای کشوری که به توسعه فناوری، تربیت نیروی انسانی متخصص و حفظ ظرفیت علمی نیاز دارد، بی‌توجهی به

معیشت استادان می‌تواند هزینه‌های فراتر از یک نارضایتی صنفی داشته باشد. کاهش انگیزه علمی، خروج نخبگان، افت کیفیت آموزش و ضعف پیوند دانشگاه با مسائل کشور پیامدهایی هستند که نمی‌توان آنها را با ملاحظاتی بودجه‌ای نادیده گرفت. اما پذیرش این واقعیت به‌معنای چشم‌پوشی از پرسش‌های سخت‌تر نیست. پرسش اصلی این است که آیا می‌توان یک گروه خاص از حقوق‌بگیران دولت را به شکل محسوس و ساختاری مشمول افزایش دریافتی کرد، بدون آنکه نسبت این تصمیم با سایر گروه‌های شغلی، منابع بودجه‌ای، قواعد بازنشستگی و عدالت در پرداخت روشن شده باشد؟ این همان نقطه‌ای است که یک سیاست به مساله‌های حکمرانی تبدیل می‌شود. وقتی یک افزایش حقوق وارد حکم کارگزینی شود، یک پرداخت مقطعی نیست بلکه تعهدی پایدار ایجاد می‌کند، اثر می‌گذارد، انتظارات مزدی سایر گروه‌ها را تغییر می‌دهد و می‌تواند به مطالبه‌های دومینوار در کل بخش عمومی تبدیل شود.

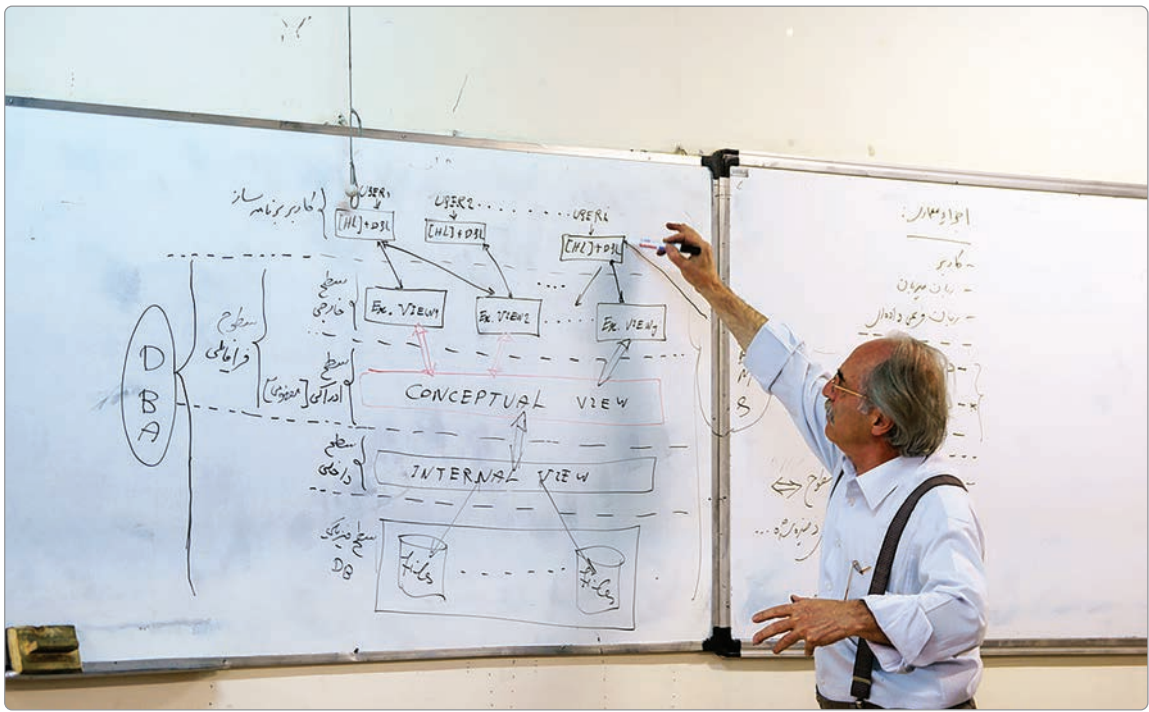
از سوی دیگر اگر دولت بخواهد چنین افزایشی را در قالب پرداخت عملکردی تعریف کند، با مساله دشوار دیگری روبه‌رو می‌شود اینکه عملکرد در دانشگاه چگونه باید سنجیده شود؟ آیا معیار عملکرد تعداد مقاله است، کیفیت آموزش است، حل مسائل دانشجویان است، مسووری و بازرسی است، تربیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی است یا تولید فناوری؟ اگر این شاخص‌ها روشن نباشند، پرداخت عملکردی می‌تواند به یک عنوان زیبا برای پرداخت‌های غیرشفاف تبدیل شود. اگر هم شاخص‌ها بیش از حد کمی و مسوری طراحی شوند، ممکن است استادان را به سمت رفتارهای کم‌کیفیت اما قابل اندازه‌گیری سوق دهند. بنابراین مساله فقط این نیست که پرداخت باید عملکردی باشد بلکه مساله این است که دولت هنوز در زمان دقیق، قابل سنجش و مورد اجماع از عملکرد در بسیاری از مشاغل تخصصی خود ندارد. در چنین وضعیتی تمرکز انتقادها بر یک دستگاه اجرایی، ساده‌سازی مساله است. گره اصلی در مرحله‌ای شکل گرفت که تصمیم‌گیری، پیش از حل کامل پیامدهای مالی، حقوقی، استخدامی و اجتماعی وارد مسیر اجرا شد. در واقع بحران زمانی آغاز می‌شود که سیاستگذار می‌خواهد هم‌زمان چند هدف متعارض را دنبال کند. از یک‌سو حفظ سرمایه انسانی دانشگاهی، از سوی دیگر رعایت عدالت میان کارکنان دولت و از سوی دیگر کنترل بار مالی در شرایط محدودیت منابع. هر سه هدف مهم است اما بدون طراحی نهادهای دقیق نمی‌توان آنها را هم‌زمان محقق کرد. از این منظر ماجرای حقوق اعضای هیات علمی بیش از آنکه یک اختلاف درباره میزان افزایش حقوق باشد، نشانه‌ای از ضعف مزمن در نظام تصمیم‌گیری درباره جبران خدمت است. دولت هنوز دربارش نکرده که در نظام پرداخت عمومی، وزن تخصص چقدر است، سابقه چه جایگاهی دارد، عملکرد چگونه سنجیده می‌شود، عدالت میان مشاغل چگونه تعریف می‌شود و منابع مالی پایدار از کجا تامین خواهد شد. تا زمانی که این پرسش‌ها بی‌پاسخ بماند، هر اصلاح مزدی حتی اگر با نیت درست و برای گروهی واقعاً نیازمند انجام شود، می‌تواند به منازعه‌ای فراگیر میان دستگاه‌های توسعه‌ای، نهادهای نظارتی، گروه‌های شغلی و افکار عمومی تبدیل شود.

از حمایت از استادان جوان تا یک افزایش عمومی؛ چگونه هدف اولیه سیاست تغییر کرد؟

از سوی دیگر گسترش دامنه سیاست باعث شد پرونده از یک مساله محدود دانشگاهی به موضوعی فراگیر در نظام اداری کشور تبدیل شود. هرچه فاصله میان دریافتی اعضای هیات علمی و سایر کارکنان دولت بیشتر شد، حساسیت‌ها نیز افزایش یافت. به تدریج این پرسش مطرح شد که اگر استدلال اصلی، حفظ سرمایه انسانی و جلوگیری از خروج نیروهای متخصص است، چرا همین منطبق درباره سایر گروه‌های حرفه‌ای پژوهشگران، قضات یا کارشناسان متخصص دستگاه‌های اجرایی به کار گرفته نشود؟ در واقع یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف سیاست آن بود که پیش از اجرای آن، پاسخ روشنی برای این پرسش‌ها ارائه نشد. دولت تلاش کرد یک مساله واقعی در نظام آموزش عالی را حل کند اما هم‌زمان نتوانست نسبت این تصمیم را با سایر اجزای نظام پرداخت عمومی روشن کند. نتیجه آن شد که به‌جای شکل‌گیری اجماع درباره ضرورت حمایت از دانشگاه، بحث‌ها به سمت میزان افزایش، دامنه مشمولان و آثار توزیعی آن حرکت کرد

«جهان صنعت» بحران افزایش حقوق اعضای هیات علمی را بررسی کرد

معمای حقوق اساتید دانشگاه



اصلی آن بود که شکاف درآمدی استادان جوان با هزینه‌های زندگی کاهش یابد و دانشگاه بتواند در رقابت برای جذب و نگهداشت نیروی انسانی متخصص، موقعیت خود را حفظ کند. در واقع مساله اصلی از ابتدا افزایش درآمد همه اعضای هیات علمی نبود بلکه تمرکز بیشتر بر گروهی قرار داشت که در سال‌های ابتدای فعالیت دانشگاهی بیشترین فشار معیشتی را تحمل می‌کردند و بیش از دیگران در معرض خروج از دانشگاه یا مهاجرت قرار داشتند.

اما یکی از ویژگی‌های نظام پرداخت در بخش عمومی ایران آن است که بسیاری از سیاست‌های هدفمند، در فرآیند طراحی و اجرا به سیاست‌های فراگیر تبدیل می‌شوند. هنگامی که یک اصلاح مزدی از مسیر احکام استخدامی و ساختارهای نامی پرداخت عبور می‌کند، به تدریج دامنه آن از گروه هدف اولیه فراتر می‌رود. نتیجه آن است که سیاستی که قرار بود مشکل یک بخش خاص را حل کند، به تغییری ساختاری در کل نظام پرداخت آن گروه شغلی تبدیل می‌شود.

همین اتفاق در پرونده اعضای هیات علمی نیز رخ داد. سیاستی که با هدف حمایت از اعضای جوان و کاهش شکاف درآمدی آنان شکل گرفته بود، در عمل به اصلاحی فراگیر در ساختار پرداخت اعضای هیات علمی تبدیل شد. در نتیجه استادان باسابقه، دانشیاران و استادان تمام نیز مشمول آثار همان اصلاح شدند. این در حالی بود که منطبق اولیه سیاست، بیش از هر چیزی بر حمایت از سطوح پایین‌تر درآمدی استوار بود.

این تحول پرسش مهمی را در برابر سیاستگذار قرار داد. آیا افزایش یکپوخت دریافتی همه اعضای یک گروه حرفه‌ای، لزوماً به تحقق هدف اولیه سیاست منجر می‌شود؟ پاسخ به این پرسش چندان روشن نیست زیرا بخشی از انتقادها به مطرح‌شده دقیقاً بر همین نکته متمرکز بود که افزایش عمومی پرداخت‌ها الزاماً به عدالتی بین مشاغل معیشتی گروه‌های مختلف اولیه نیست. هنگامی که منابع محدود میان همه افراد یک گروه توزیع می‌شود، بخشی از ظرفیت سیاست برای حمایت از کسانی که بیشتر نیاز را دارند از بین می‌رود.

از سوی دیگر گسترش دامنه سیاست باعث شد پرونده از یک مساله محدود دانشگاهی به موضوعی فراگیر در نظام اداری کشور تبدیل شود. هرچه فاصله میان دریافتی اعضای هیات علمی و سایر کارکنان دولت بیشتر شد، حساسیت‌ها نیز افزایش یافت. به تدریج این پرسش مطرح شد که اگر استدلال اصلی، حفظ سرمایه انسانی و جلوگیری از خروج نیروهای متخصص است، چرا همین منطبق درباره سایر گروه‌های حرفه‌ای پژوهشگران، قضات یا کارشناسان متخصص دستگاه‌های اجرایی به کار گرفته نشود؟

در واقع یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف سیاست آن بود که پیش از اجرای آن، پاسخ روشنی برای این پرسش‌ها ارائه نشد. دولت تلاش کرد یک مساله واقعی در نظام آموزش عالی را حل کند اما هم‌زمان نتوانست نسبت این تصمیم را با سایر اجزای نظام پرداخت عمومی روشن کند. نتیجه آن شد که به‌جای شکل‌گیری اجماع درباره ضرورت حمایت از دانشگاه، بحث‌ها به سمت میزان افزایش، دامنه مشمولان و آثار توزیعی آن حرکت کرد

این تجربه یک درس مهم برای سیاستگذاری عمومی دارد. در شرایطی که منابع مالی محدود است، موفقیت یک سیاست صرفاً به میزان منابع تخصیص‌یافته وابسته نیست بلکه به میزان هدفمندی آن نیز بستگی دارد. هرچه سیاست از گروه هدف اولیه فاصله بگیرد و به یک سیاست عمومی و فراگیر تبدیل شود، احتمال بروز تعارض با اهدافی مانند عدالت توزیعی، پایداری مالی و پذیرش اجتماعی افزایش می‌یابد. به همین دلیل پرسش اصلی امروز دیگر این نیست که سیاست‌های هدفمند علمی نیازمند حمایت هستند یا خیر. پرسش مهم‌تر این است که آیا سازوکار انتخاب‌شده توانسته همان هدف اولیه یعنی حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیرتر را فرایش سرمایه انسانی دانشگاه را محقق کند یا اینکه در مسیر اجرا به سیاستی تبدیل شده که بخشی از اهداف اولیه خود را از دست داده است.

گره اصلی مناقشه

در روایت عمومی این پرونده، معمولاً اختلافات حول این محور تصویر می‌شود که گروهی موافق افزایش حقوق اعضای هیات علمی بودند و گروهی دیگر با آن مخالفت می‌کردند اما بررسی دقیق‌تر روند تحولات نشان می‌دهد که مناقشه اصلی بر اصل حمایت از دانشگاه و اعضای هیات علمی نبود. تقریباً همه طرف‌های درگیر، از ضرورت بهبود وضعیت معیشتی استادان دانشگاه سخن می‌گفتند و کمتر کسی اصل مساله را انکار می‌کرد. اختلاف واقعی از نقطه دیگری آغاز شد: از جایی که پرسش شد این حمایت قرار است در چه قالبی انجام شود.

در نظام‌های جبران خدمت، میان افزایش حقوق ثابت و پرداخت مبتنی‌بر عملکرد تفاوتی بنیادین وجود دارد. افزایش حقوق ثابت بخشی از حکم استخدامی فرد می‌شود، آثار آن به سال‌های بعد منتقل می‌شود، منبای محاسبه بازنشستگی قرار می‌گیرد و اما پرداخت مبتنی بر عملکرد ماهیتی متفاوت دارد. این نوع پرداخت به اعتبار دانشگاهی، عملکرد مفهومی چندبعدی است. یک عضو هیات‌علمی هم‌زمان تدریس می‌کند، پژوهش انجام می‌دهد، دانشجوی تربیت می‌کند، در پروژه‌های فناورانه مشارکت دارد، مسوولیت‌های اجرایی بر عهده می‌گیرد و در حل مسائل کشور نقش‌آفرینی می‌کند. تبدیل این فعالیت‌های متنوع به مجموعه‌ای از شاخص‌های کمی و قابل اندازه‌گیری، کاری بسیار پیچیده است.

در قالب سازوکارهای عملکردی انجام شود. از نگاه این گروه، اگر هدف اصلی ارتقای کیفیت آموزش، افزایش تولید علم، توسعه فناوری و حل مسائل کشور است، منطقی‌تر آن است که منابع مالی نیز به عملکرد و خروجی‌ها گره بخورد، نه صرفاً به جایگاه سازمانی یا مرتبه علمی. این اختلاف در ظاهر یک بحث درباره شیوه پرداخت بود اما در واقع به یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های حکمرانی در ایران بازمی‌گشت. دولت چگونه باید میان حمایت از سرمایه انسانی و انضباط مالی تعادل برقرار کند؟ در شرایطی که اقتصاد ایران با محدودیت منابع، کمبری بودجه مزمن و فشار فرایند بر هزینه‌های جاری مواجه است، هر تصمیمی که تعهدات دائمی دولت را افزایش دهد، به سرعت به منابعی فراتر از یک گروه شغلی تبدیل می‌شود. به همین نقطه بود که نگاه بودجه‌ای در همین نقطه بود که نگاه بودجه‌ای در مورد اجماعی از عملکرد در اختیار نداشت. تا زمانی که این مساله حل نشود، هر تلاش برای اصلاح نظام جبران خدمت، دیر با زود با همان پرسش بنیادین روبه‌رو خواهد شد. پرداخت برای چه چیزی انجام می‌شود برای جایگاه، سابقه یا عملکرد؟

چرا همه تیرها به سمت سازمان برنامہ رفت؟ در هر بحران سیاستگذاری، معمولاً آخرین حلقه زنجیره تصمیم‌گیری بیشترین هزینه را پرداخت می‌کند. افکار عمومی نتیجه نهایی را می‌بیند. پرداختی که انجام نشده، اعتباری که تخصیص نیافته یا حکمی که توقف شده است، اما کمتر به این پرسش توجه می‌شود که بحران دقیقاً در کدام مرحله شکل گرفته است. آیا مشکل در مرحله تامین منابع بوده یا در مرحله طراحی سیاست؟ آیا اختلافات در زمان تخصیص اعتبار پدید آمده یا پیش از آن، زمانی که هنوز چارچوب اجرایی سیاست مشخص نشده بود؟

پرونده اخیر افزایش پرداختی اعضای هیات علمی از این منظر نمونه قابل‌تأملی است. در حالی که بخش عمده انتقادها متوجه نهادهای مسوول تامین اعتبار شده، واقعیت آن است که بسیاری از مسائل اصلی پرونده پیش از رسیدن به مرحله تخصیص منابع شکل گرفته بودند. پرسش اساسی این است که چگونه سیاستی با این سطح از اهمیت، پیش از آنکه درباره مهم‌ترین جزئیات اجرایی آن توافق حاصل شود، وارد مرحله اجرا شد؟ یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف این فرآیند آن بود که میان تصمیم و سازوکار اجرا فاصله‌ای قابل‌توجه وجود داشت.

در نتیجه سیاستگذار با پارادوکس عجیبی روبه‌رو شد. از یک‌سو تقریباً همه بر ضرورت حرکت به سمت پرداخت مبتنی بر عملکرد تاکید می‌کردند. از سوی دیگر هیچ توافق روشنی درباره تعریف عملکرد وجود نداشت. همین خلأ موجب شد اختلافات از سطح دانشگاه‌ها فراتر رود و به مناقشه‌ای میان نهادهای اجرایی، بودجه‌ای و نظارتی تبدیل شود. بنابراین گره اصلی این پرونده نه در میزان افزایش حقوق بلکه در نبود توافق بر سر سازوکار پرداخت بود. مساله‌ای که در ظاهر درباره استادان دانشگاه شکل گرفت، در واقع پرداختی از یک بحران بزرگ‌تر را کنار زد؛ بحرانی که تقریباً تمام نظام پرداخت بخش عمومی ایران با آن مواجه است. دولت سال‌هاست از پرداخت مبتنی بر عملکرد سخن می‌گوید اما هنوز در بسیاری از حوزه‌های تخصصی، تعریف عملیاتی و مورد اجماعی از عملکرد در اختیار ندارد. تا زمانی که این مساله حل نشود، هر تلاش برای اصلاح نظام جبران خدمت، دیر با زود با همان پرسش بنیادین روبه‌رو خواهد شد. پرداخت برای چه چیزی انجام می‌شود برای جایگاه، سابقه یا عملکرد؟

چرا همه تیرها به سمت سازمان برنامہ رفت؟ در هر بحران سیاستگذاری، معمولاً آخرین حلقه زنجیره تصمیم‌گیری بیشترین هزینه را پرداخت می‌کند. افکار عمومی نتیجه نهایی را می‌بیند. پرداختی که انجام نشده، اعتباری که تخصیص نیافته یا حکمی که توقف شده است، اما کمتر به این پرسش توجه می‌شود که بحران دقیقاً در کدام مرحله شکل گرفته است. آیا مشکل در مرحله تامین منابع بوده یا در مرحله طراحی سیاست؟ آیا اختلافات در زمان تخصیص اعتبار پدید آمده یا پیش از آن، زمانی که هنوز چارچوب اجرایی سیاست مشخص نشده بود؟

پرونده اخیر افزایش پرداختی اعضای هیات علمی از این منظر نمونه قابل‌تأملی است. در حالی که بخش عمده انتقادها متوجه نهادهای مسوول تامین اعتبار شده، واقعیت آن است که بسیاری از مسائل اصلی پرونده پیش از رسیدن به مرحله تخصیص منابع شکل گرفته بودند. پرسش اساسی این است که چگونه سیاستی با این سطح از اهمیت، پیش از آنکه درباره مهم‌ترین جزئیات اجرایی آن توافق حاصل شود، وارد مرحله اجرا شد؟ یکی از بزرگ‌ترین نقاط ضعف این فرآیند آن بود که میان تصمیم و سازوکار اجرا فاصله‌ای قابل‌توجه وجود داشت.

تقریباً همه طرف‌ها بر ضرورت حرکت به سمت پرداخت مبتنی بر عملکرد تاکید می‌کردند. این مفهوم نه تنها در اسناد بالادستی بلکه در ادبیات اصلاح نظام اداری کشور نیز جایگاه مهمی دارد اما سوال اینجاست که اگر قرار بود پرداخت‌ها براساس عملکرد باشد، چرا پیش از اجرا هیچ نظام مشخص، شفاف و مورد توافقی برای سنجش عملکرد تدوین نشده؟ چه نکته مهم دیگر آن است که سیاستی که در ابتدا با هدف حمایت از گروه‌های خاصی از اعضای هیات علمی و رفع برخی نابرابری‌های درون دانشگاهی مطرح شده بود، در فرآیند اجرا به سیاستی فراگیر تبدیل شد. این تحول اهمیت زیادی دارد زیرا میان یک سیاست هدفمند و یک سیاست عمومی تفاوت اساسی وجود دارد. هرچه دامنه مشمولان گسترده‌تر شود، آثار مالی، اجتماعی و سیاسی تصمیم نیز افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی انتظار می‌رود پیش از اجرا، ارزیابی دقیقی از پیامدهای آن بر سایر بخش‌های نظام پرداخت انجام شود. اما آنچه اتفاق افتاد نشان داد که این ارزیابی با انجام نشده یا دست‌کم به این اندازه دقیقاً از همین نقطه در این میان نقش نهادهای متولی نظام اداری و استخدامی نیز قابل‌تأمل است. در هر نظام حکمرانی، طراحی سازوکارهای جبران خدمت و تعیین رابطه میان عملکرد و پرداخت، اساساً وظیفه نهادهای تخصصی حوزه استخدام و منابع انسانی است. به همین دلیل این پرسش قابل طرح است که چرا با وجود ماه‌ها بحث درباره پرداخت مبتنی بر عملکرد، چارچوب اجرایی آن پیش از ورود سیاست به مراحل اجرایی آن پیش از چگونه ممکن است همه بازیگران درباره ضرورت عملکردمحور شدن پرداخت‌ها توافق داشته باشند اما در زمان اجرا هنوز تعریف مشترکی از عملکرد وجود نداشته باشد؟ این خلأ نشانه‌ای از ضعف در مرحله سیاست‌سازی است.

از سوی دیگر تجربه اخیر یک واقعیت مهم را نیز آشکار کرد اینکه اصرار بر اجرای سریع یک سیاست لزوماً به معنای موفقیت آن سیاست نیست. در بسیاری از موارد شتاب در اجرا پیش از تکمیل زیرساخت‌های حقوقی، مالی و اجرایی می‌تواند هزینه‌های بیشتری نسبت به تأخیر در تصمیم‌گیری ایجاد کند. سیاستی که قرار است آثار بلندمدت بر نظام پرداخت دولت بگذارد، طراحی اجماع نهادی، طراحی دقیق و پیش‌بینی پیامدهای مختلف است. در گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر توافق روشنی وجود نداشته باشد، طبیعی است که تصمیمات پس از تصویب نیز محل اختلاف باقی بمانند. در چنین فضایی حتی سیاست‌هایی که با نیت حل یک مشکل واقعی طراحی شده‌اند، ممکن است خود به منشا بحران‌های جدید تبدیل شوند.

پیش از ورود سیاست به مرحله اجرا تعیین تکلیف می‌شدند. نهادهای بودجه‌ای وظیفه دارند منابع را تامین و آثار مالی تصمیمات را مدیریت کنند اما نمی‌توانند جایگزین فرآیند سیاست‌سازی، طراحی شاخص‌های عملکرد یا ایجاد اجماع میان دستگاه‌های مختلف شوند.

از این منظر شاید مهم‌ترین خطای تحلیلی در ماجرای اخیر آن باشد که بحران به مرحله تخصیص اعتبار تقلیل داده شود. آنچه رخ داد پیش از آنکه شکست یک نهاد در تامین منابع باشد، محصول مجموعه‌ای از تصمیمات حل‌نشده، سازوکارهای ناتمام و هماهنگی‌های ناقص میان بخش‌های مختلف دولت بود. تصمیماتی که در نهایت هزینه سیاسی و رسانه‌ای آنها بر دوش آخرین حلقه زنجیره قرار گرفت.

هشدار برای کل نظام پرداخت دولت

اگر ماجرای افزایش پرداختی اعضای هیات علمی را یک مناقشه میان چند دستگاه دولتی تلقی کنیم، مهم‌ترین نکته این تجربه نادیده گرفته خواهد شد. آنچه در ماه‌های اخیر رخ داد، در واقع نشانه‌ای از یک مساله بزرگ‌تر است؛ مساله‌ای که سال‌هاست در ساختار اداری و مالی کشور وجود دارد و هر بار خود را در قالب مطالبه یک گروه شغلی جدید نشان می‌دهد. این پرونده بیش از آنکه درباره دانشگاه باشد، درباره فقدان یک چارچوب پایدار برای جبران خدمت در بخش عمومی است.

اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته با دو روند هم‌زمان مواجه بوده است؛ از یک سو تورم مزمن، کاهش ارزش پول ملی و افت قدرت خرید، تقریباً تمام گروه‌های حقوق‌بگیر را تحت فشار قرار داده است. از سوی دیگر محدودیت منابع عمومی و رشد هزینه‌های دولت امکان افزایش گسترده حقوق و مزایا را محدود کرده است. نتیجه این وضعیت آن بوده که هر گروه حرفه‌ای تلاش کرده از مسیرهای جایگانه برای جبران عقب‌ماندگی درآمدی خود اقدام کند. در چنین شرایطی نظام پرداخت به جای آنکه بر پایه یک منطق واحد اداره شود، به مجموعه‌ای از استنادها، اصلاحات موردی و تصمیمات بخشی تبدیل شده است. مشکل اصلی دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود. هنگامی که دولت فاقد یک الگوی روشن برای رابطه میان تخصص، عملکرد، مسوولیت، کمیابی نیروی انسانی و سطح پرداخت باشد، رابطه میان عملکرد و پرداخت، اساساً وظیفه نهادهای تخصصی حوزه استخدام و منابع انسانی است. به همین دلیل این پرسش قابل طرح است که چرا با وجود ماه‌ها بحث درباره پرداخت مبتنی بر عملکرد، چارچوب اجرایی آن پیش از چگونه ممکن است همه بازیگران درباره ضرورت عملکردمحور شدن پرداخت‌ها توافق داشته باشند اما در زمان اجرا هنوز تعریف مشترکی از عملکرد وجود نداشته باشد؟ این خلأ نشانه‌ای از ضعف در مرحله سیاست‌سازی است.

از سوی دیگر تجربه اخیر یک واقعیت مهم را نیز آشکار کرد اینکه اصرار بر اجرای سریع یک سیاست لزوماً به معنای موفقیت آن سیاست نیست. در بسیاری از موارد شتاب در اجرا پیش از تکمیل زیرساخت‌های حقوقی، مالی و اجرایی می‌تواند هزینه‌های بیشتری نسبت به تأخیر در تصمیم‌گیری ایجاد کند. سیاستی که قرار است آثار بلندمدت بر نظام پرداخت دولت بگذارد، طراحی اجماع نهادی، طراحی دقیق و پیش‌بینی پیامدهای مختلف است. در گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر توافق روشنی وجود نداشته باشد، طبیعی است که تصمیمات پس از تصویب نیز محل اختلاف باقی بمانند. در چنین فضایی حتی سیاست‌هایی که با نیت حل یک مشکل واقعی طراحی شده‌اند، ممکن است خود به منشا بحران‌های جدید تبدیل شوند.

تقریباً همه طرف‌ها بر ضرورت حرکت به سمت پرداخت مبتنی بر عملکرد تاکید می‌کردند. این مفهوم نه تنها در اسناد بالادستی بلکه در ادبیات اصلاح نظام اداری کشور نیز جایگاه مهمی دارد اما سوال اینجاست که اگر قرار بود پرداخت‌ها براساس عملکرد باشد، چرا پیش از اجرا هیچ نظام مشخص، شفاف و مورد توافقی برای سنجش عملکرد تدوین نشده؟ چه نکته مهم دیگر آن است که سیاستی که در ابتدا با هدف حمایت از گروه‌های خاصی از اعضای هیات علمی و رفع برخی نابرابری‌های درون دانشگاهی مطرح شده بود، در فرآیند اجرا به سیاستی فراگیر تبدیل شد. این تحول اهمیت زیادی دارد زیرا میان یک سیاست هدفمند و یک سیاست عمومی تفاوت اساسی وجود دارد. هرچه دامنه مشمولان گسترده‌تر شود، آثار مالی، اجتماعی و سیاسی تصمیم نیز افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی انتظار می‌رود پیش از اجرا، ارزیابی دقیقی از پیامدهای آن بر سایر بخش‌های نظام پرداخت انجام شود. اما آنچه اتفاق افتاد نشان داد که این ارزیابی با انجام نشده یا دست‌کم به این اندازه دقیقاً از همین نقطه در این میان نقش نهادهای متولی نظام اداری و استخدامی نیز قابل‌تأمل است. در هر نظام حکمرانی، طراحی سازوکارهای جبران خدمت و تعیین رابطه میان عملکرد و پرداخت، اساساً وظیفه نهادهای تخصصی حوزه استخدام و منابع انسانی است. به همین دلیل این پرسش قابل طرح است که چرا با وجود ماه‌ها بحث درباره پرداخت مبتنی بر عملکرد، چارچوب اجرایی آن پیش از چگونه ممکن است همه بازیگران درباره ضرورت عملکردمحور شدن پرداخت‌ها توافق داشته باشند اما در زمان اجرا هنوز تعریف مشترکی از عملکرد وجود نداشته باشد؟ این خلأ نشانه‌ای از ضعف در مرحله سیاست‌سازی است.

JS NEWS جهان صنعت را در فضای مجازی دنبال کنید. Includes social media icons for jsnews, jsnewsir, jsnewsir_, jsnewsir_.

جهان صنعت قابل توجه فعالان اقتصادی. تیم کارشناسی متشکل از کارشناسان اقتصادی و حقوقی به منظور کمک به رفع موانع تولید آماده ارائه خدمات به تولیدکنندگان و صاحبان کلا و خدمات در حوزه های زیر است: معرفی شرکای تجاری داخلی و خارجی، برندسازی و دیجیتال مارکتینگ، موفقیت در مذاکرات تجاری، تهیه بیزنس پلن، خدمات مشاوره مالی و مالیاتی، مشاوره در زمینه اولیج مالیاتی.